



«بازاری در شهر ترتر آذربایجان»، عکس: والری شریفولین، خبرگزاری تاس

\*\*\*

مهر ۱۳۹۹

\* منازعه‌ی ناگورنو-قره‌باغ<sup>۱</sup> فاجعه‌ی عمدتاً فراموش شده‌ای است با هزینه‌ی بالای انسانی و مسئله‌ای پیچیده و پر پیچ و خم از نقطه‌نظرهای متفاوت.<sup>۲</sup>

در لبه‌ی اروپا و در منطقه‌ی مورد مناقشه‌ی ناگورنو-قره‌باغ در قفقاز جنوبی فاجعه‌ای در حال ظهور است. جنگی عمدتاً فراموش شده بین ارمنستانی‌ها و آذربایجانی‌ها دوباره آغاز شده است. خارجی‌ها در تقلاً هستند که واکنش نشان دهند. بگذارید به‌عنوان کسی که بیش از ۲۵ سال این منازعه را از هر دو طرف درگیر گزارش کرده و مطالعه کرده‌ام، با هم در این مسئله‌ی پیچیده و پر پیچ و خم پیش برویم.

پیش از هر چیز، لازم است که به هزینه‌ی انسانی [این منازعه] تأکید کنیم. صدها نفر از ۲۷ سپتامبر که جنگ آغاز شد جان خود را از دست داده‌اند، به این دلیل قریب به یقین که آذربایجان تصمیم گرفت حمله‌ای غافلگیرانه

---

<sup>۱</sup> منطقه‌ی قره‌باغ به‌لحاظ جغرافیای طبیعی عموماً به سه بخش تقسیم می‌شود: ۱. «قره‌باغ کوهستانی» (ناگورنو-قره‌باغ) در مرکز و از شمال غربی تا جنوب شرقی ۲. «دشت قره‌باغ» در شرق و شمال شرقی (استپ‌های بین رود ارس و رود کورا) ۳. «زنگه‌زور» در غرب و جنوب غربی (دامنه‌های شرقی کوه‌های زنگه‌زور). م

<sup>۲</sup> «توماس دی وال» نویسنده و قفقازشناس سرشناس بریتانیایی است. کتاب مفصل او با عنوان «باغ سیاه: ارمنستان و آذربایجان از خلال صلح و جنگ» یکی از معتبرترین منابع منتشر شده (و احتمالاً تنها منبع غیرجانبدارانه) درباره‌ی جنگ قره‌باغ است. م

را آغاز کند. اینک هر دو طرف در حال استفاده از سلاح‌های دوربرد مهیبی هستند که در طی دهه‌ی گذشته اندوخته و مهیا کرده‌اند.

گزارش‌های نسبتاً محدودی از منطقه حاکی از آن است که جمعیت ارمنی قره‌باغ در حال تحمّل رنج زیادی از بمباران بی‌وقفه هستند. به گفته‌ی مأمور کمیسیون حقوق بشر محلی در منطقه، بیش از ۷۰۰۰۰ نفر غیرنظامی مجبور به فرار از منطقه شده‌اند. عفو بین‌الملل استفاده از بمب‌های خوشه‌ای که طبق قوانین بین‌المللی ممنوع هستند را گزارش کرده است.

همچنین گزارش‌هایی دریافت می‌کنیم که توپخانه‌ی ارمنستان مراکز شهری در داخل آذربایجان را هدف قرار می‌دهد. ما حتی در مورد درگیری‌های مشخصاً نظامی کم‌تر اطلاع داریم، اما مسلم است که بسیاری از سربازان و وظیفه‌ی جوان در نبردهای خشن در مناطق کم‌اهمیت این قلمرو در حال مرگ هستند.

به موازات این، جنگ اطلاعاتی شدیدی در تلویزیون و رسانه‌های اجتماعی در جریان است. لفاظی‌های مسمومی که در آن هر طرف با صفات «فاشیست» و «خشک‌مغز» چهره‌ی طرف دیگر را ضدانسانی نشان می‌دهد، منازعه را وخیم‌تر می‌کند. به نظر می‌رسد که هدف این جنگ اطلاعاتی نه فقط طرف دیگر، بلکه خفه کردن معدود صداهای شجاعانه در منطقه و همیاران بین‌المللی آنان است که مدافع صلح و گفتگو هستند.

در این نزاع و کشمکش، حقیقت منحصراً نزد یکی از طرفین نیست. در منازعه‌ای که ریشه‌های آن به اوایل قرن بیستم و افول امپراتوری روسیه می‌رسد، هر یک از طرفین ادعاهای مشروع و پرتب و تاب خود را در مورد برقراری عدالت دارند. منطقه‌ی کوهستانی<sup>۱</sup> [قره‌باغ] اکثریت جمعیت ارمنی داشت و دارای میراث فرهنگی ارمنی طولانی‌مدتی بود اما به لحاظ جغرافیایی در خاک آذربایجان قرار داشت و همچنین آذربایجانی‌های بسیاری را هم در خود جا داده بود.

بلشویک‌ها در سال ۱۹۲۰ آرایشی را به‌زور اعمال کردند. اما راه‌حل آن‌ها (منطقه‌ی خودمختار جدید ناگورنو-قره‌باغ تحت تسلط ارمنی‌ها اما واقع در خاک آذربایجان) سرچشمه‌ی احساس عدم اطمینان متقابل برای طرفین بود.

در سال ۱۹۸۸ ارمنی‌های قره‌باغ میخائیل گورباچف را تحت فشار قرار دادند تا به آن‌ها اجازه دهد که از آذربایجان شوروی جدا شوند و به ارمنستان بپیوندند. خشونت در سطوح پایین آغاز شد. در سال ۱۹۹۱، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این خشونت را به منازعه‌ی نظامی بین دو دولت-ملت مستقل بدل کرد. پس از سه سال جنگ و ۲۰۰۰۰ کشته و آوارگی جمعی، ارمنی‌ها در میدان جنگ چیره شدند و آتش‌بس امضاء شد.

هر یک از طرفین این منازعه، دعاوی مشروع اما متفاوتی دارند. ارمنی‌ها هراس دارند که آذربایجان بخواهد ارمنی‌های قره‌باغ را نابود کند و آن‌ها را

از موطن‌شان بیرون براند. در سال ۱۹۹۲، این تقریباً اتفاق افتاد. الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان از اعطای «بالاترین سطح خودمختاری در جهان» به ارمنی‌های قره‌باغ سخن گفته است، اما با این حال از سال ۱۹۹۱ تا کنون، دولت آذربایجان در باکو حتی یک سند ارائه نکرده است که بیان‌گر چگونگی تضمین آن باشد. به‌زعم ارمنی‌ها موشک‌باران قره‌باغ در هفته‌ی گذشته بیان‌گر داستان واقعی است.

در عین حال طرف ارمنی هم مقصّر است و با اقدامات خود در طی دو دهه‌ی گذشته به‌نوعی بانی مشترکِ منازعه‌ی جدید است.

در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴، نیروهای ارمنی نه تنها خود ناگورنو-قره‌باغ، بلکه کل یا قسمتی از هفت بخش عادی آذربایجان را تحت کنترل گرفته‌اند و با بیرون راندن بیش از نیم میلیون آذربایجانی از خانه‌های‌شان مسبب فاجعه‌ای انسانی شده‌اند. در ابتدا، رهبران ارمنستان مدعی شدند که صرفاً یک «منطقه‌ی حائل» را به‌طور موقت تسخیر کرده‌اند. اما در طی این سال‌ها آن‌ها با «آزادشده» نامیدن مناطق و مهیا کردن شرایط برای اسکان ۱۷۰۰۰ مهاجر ارمنی، نشان داده‌اند که قصد باز پس دادن این مناطق را ندارند.

سرخوردگی و ناامیدی آذربایجان از این وضعیت کاملاً قابل درک است. اما نهایتاً هر طرف تنها با همکاری طرف مقابل می‌تواند جبران خسارت کند و به صلح برسد.

یک طرح صلح مدون که برای نخستین بار توسط میانجی‌گران «سازمان امنیت و همکاری اروپا» تهیه شد، تلاش می‌کند تا با رویکردی مرحله‌ای خواسته‌های طرفین را برآورده کند.

این طرحی موشکافانه و پیچیده روی کاغذ است. مشکل اینجاست که مذاکرات همواره سست‌بنیان‌تر از آن بوده‌اند که به پی‌ریزی صلح بیانجامند. این مذاکرات بسیار غیرمداوم هستند، متعهدانه نبوده‌اند یا در پی ایجاد هیئتی برای سازش برنیامده‌اند و بیش از حد به روسیه‌ای اعتماد کرده‌اند که طرح و برنامه‌ی خودش را برای این منطقه دارد. همچنین جریمه‌ای برای قصور در اراده‌ی سیاسی [برای پیشبرد مذاکرات] در نظر گرفته نشده است. پس از بروز درگیری در آوریل ۲۰۱۶، دو طرف توافق کردند که دوباره به فرآیند صلح متعهد شوند اما بعد از آن دوباره از تعهدات خود فاصله گرفتند.

منزعه‌ی جدید در حال گرفتن جان انسان‌ها و ایجاد رنج و خشم در نسل جدید است. این جنگ منطقی خاص خود را دارد و احتمالاً تنها زمانی متوقف خواهد شد که آذربایجان پس از بازپس‌گیری میزان قابل توجهی از اراضی و هزینه‌های بسیار انسانی، تصمیم به توقف آن بگیرد. رسیدن زمستان در کوهستان می‌تواند [به توقف جنگ] کمک کند.

اگر چنین زمانی فرا برسد، حضور ترکیه در طرف آذربایجان عامل پیچیده‌ی جدیدی را وارد ماجرا می‌کند. اردوغان و پوتین ممکن است تلاش کنند تا توافق جدیدی را به ارمنی‌ها و آذربایجانی‌ها تحمیل کنند که متناسب با منافع

خودشان است و بی‌توجه به اصول انسانی و ادعای دو کشور برای اینکه بخشی از اروپا باشند. لنین و آتاتورک این کار را دقیقاً یک قرن پیش و در سال‌های ۱۹۲۱-۱۹۲۰ انجام دادند.

یا اینکه اروپایی‌ها و شاید ایالات متحده‌ی پس از ترامپ، ممکن است سعی کنند تا با خواست احترام به نیازهای مردم و ادعاهای متفاوت حقوق بین‌الملل، برای حل این منازعه کنفرانس صلح چندجانبه‌ای را برگزار کنند (که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۲ مطرح شد).

این حالت بعید به نظر می‌رسد. در حال حاضر تنها کسانی که جشن گرفته‌اند این‌ها هستند: ناسیونالیست‌های افراطی، ترکیه‌ی اردوغان و صنعت دفاعی روسیه که تسلیحات نظامی هر دو طرف را تأمین کرده است و آمادگی دارد تا به محض اتمام سلاح‌های مرگ‌آنها، سلاح‌های بیشتری تقدیم‌شان کند.

این متن ترجمه‌ای است از:

<https://www.theguardian.com/commentisfree/10/oct/2020/war-edge-europe-nagorno-karabakh-conflict-armenia-azerbaijan>